

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

صص ۲۲۳-۱۹۲

تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ارمنستان در چهارچوب تئوریک اندرسون و طرح یک همگرایی منطقه‌ای بعد از فرایند عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه

دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران
یزدان کیخسرو دولتیاری - کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۸

چکیده

در مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل ژئوپلیتیک اندرسون سعی در بررسی روابط ارمنستان و ایران شده است. مدل اندرسون یک روش ژئوپلیتیکی در شناخت سیاست خارجی کشورهای کوچک با لحاظ نمودن نقش کشور بزرگ در همسایگی آنان است. هدف اصلی مقاله پاسخ به این سوال می‌باشد که چگونه می‌توان برای روابط ایران و ارمنستان بنیانی ژئوپلیتیک جستجو نمود. از سوی دیگر بعد از فرایند عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه سیاست خارجی ایران چگونه باید باشد؟ روش کار اندرسون سه مرحله دارد که علاوه بر آن که امکان تحلیل صحیح شرایط ژئوپلیتیک ارمنستان را فراهم می‌کند، امکان درک سیاست خارجی این کشور با ایران و ترکیه را نیز فراهم می‌نماید. در چهارچوب مدل اندرسون، روابط خارجی ایران و ارمنستان در سه قالب اصلی رجوع تاریخی، منازعه جغرافیایی و درک شرایط ژئوپلیتیک کنونی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن حول چند محور بحث می‌گردد. رفتار تاریخی ایرانیان با ارمنه بر خلاف ترکان که متهم به نسل‌کشی ۱۹۱۵ هستند، همواره حسنه بوده است، چنانچه این رفتار حسنه تاریخی بر شکل‌گیری روابط نزدیک میان دو کشور تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر ایران در منازعه قره‌باغ همواره از خودمختاری آن حمایت کرده است و ارمنستان از میانجی‌گری ایران ابراز رضایت نموده است. در مسئله انزوای سرزمینی و فقر منابع انرژی ارمنستان، ایران همواره به‌عنوان تأمین‌کننده انرژی به‌حساب آمده است. با توجه به ضرورت همگرایی منطقه‌ای، از دیگر نتایج پژوهش حاضر بحث اثرات مثبت عادی‌سازی روابط میان ترکیه و ارمنستان برای ایران می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، مدل اندرسون، همگرایی منطقه‌ای، ارمنستان، ایران، ترکیه، آذربایجان، قره‌باغ.

مقدمه

ژئوپلیتیک واژه‌ای با معانی گوناگون است (Tuathail, 1994 a: 259). که به‌عنوان یک روش تحلیلی از اواخر قرن ۱۹ عمومیت یافت (Klare, 2003: 1). اما به‌طور ویژه در ۱۹۰۳ و در ادبیات آلمانی مطرح گشت (Hoald, 1922: 319). موضوع آن را می‌توان مطالعه تأثیر عوامل جغرافیایی همچون: موقعیت، نحوه توزیع منابع طبیعی و انسانی بر روابط بین‌الملل دانست (Braden & Shelle, 2000: 5). همچنین زمینه‌ای مطالعاتی برای بررسی عوامل پایدار و ناپایدار جغرافیایی می‌باشد (Feidman, 2008: 1). موضوعی که در آثار مورگنتا به بخشی از گفتمان استراتژیکی جنگ سرد تبدیل شد (Tuathail, 1994 a: 260). از سویی ژئوپلیتیک را می‌توان قرارگیری قواعد بر واقعیات جغرافیایی دانست (McDougall, 2003: 18). که بیشتر نگاهی فرا ملی دارد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۳) و عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌ها مؤثرند توجه می‌کند (میرحیدر، ۱۳۶۹: ۱۸). چنانچه گاهی بر حسب دارایی جغرافیایی نیز تعریف می‌گردد (Goldgieger, 1992: 467-491)، که به درک سیاست جهانی با نگاه به قلمرو و منابع می‌انجامد (Dodds, 2000: 162). ژئوپلیتیک انتقادی نیز ابتدا در آثار اندیشمند آلمانی برنشتاین مطرح شد (Daluy & Tliathail, 1996: 452). که در آن معانی متداول ژئوپلیتیکی به‌نفع معانی دیگر تقلیل یافته است (Tuathail, 1994 b: 525).

از ژئوپلیتیک می‌توان به‌عنوان یک روش تحقیقی بهره جست (Tautahil, 1994 a: 259). اندرسون از مهمترین اندیشمندانی است که آن را به‌عنوان روش تحقیقی به‌کار برده است. روشی که مبنای آن توجه به جغرافیا می‌باشد. از آنجا که در پژوهش حاضر از روش اندرسون برای تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ارمنستان بهره گرفته شده است، در ابتدا باید نگاه و رویکرد وی به اهمیت جغرافیا و پیوند آن با تاریخ و منازعات منطقه‌ای را به بحث گذاشت. چهارچوبی که اندرسون آن را جهت تحلیل ژئوپلیتیکی مسائل منطقه‌ای انتخاب می‌کند را می‌توان روش اختلاط جغرافیایی^۱ نامید (Tautahil, 1994 a: 262). که در آن به بررسی مسائل

ژئوپلیتیکی کشورهای کوچک حوزه کارائیب که در تماس قدرت بزرگی همچون ایالات متحده قرار دارند می‌پردازد. در نگاه اندرسون ژئوپلیتیک را باید به‌طور ویژه در منازعات جغرافیایی جستجو نمود (Tautahil, 1994 a: 262). روش اندرسون جهت درک شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای کوچک بسیار مفید می‌باشد. زیرا درک جامع از ژئوپلیتیک منطقه، شرایط فرمول‌بندی صحیح روابط را فراهم می‌سازد (Anderson, 1994: 1). کار اندرسون به‌عنوان یک روش تحقیقی ژئوپلیتیکی در شناخت سیاست منطقه‌ای و سیاست خارجی را اندیشمند فرانسوی گروید توتایل^۱ در مقاله‌ای با عنوان «مسئله بندی ژئوپلیتیک: پیمایش، بیان، استراتژی» استخراج نموده است. در مرحله اول باید ضمن توصیف ویژگی‌های کشورهای مورد نظر، یک رجوع تاریخی را باید انجام داد که در آن به روابط تاریخی آن با قدرت‌های بزرگ پرداخته خواهد شد. مرحله بعد توجه به منازعات جغرافیایی می‌باشد. در مرحله آخر باید به درکی صحیح از وضعیت کنونی کشور در منطقه و روابط آن با همسایگان دست یافت. در ضمن این مرحله می‌باشد که به اندازه کشور و منابع طبیعی آن توجه می‌شود (Anderson, 1994: 123). اندرسون سپس به نقش کشورهای قدرتمند یا هژمون در آن منطقه توجه می‌نماید که به‌طور ویژه سیاست خارجی کشورهای بزرگ در قبال کشور کوچک مورد نظر را بررسی می‌نماید. چرا که در خلال سیاست خارجی کشورهای بزرگ همسایه در قبال کشور کوچک مورد نظر است که مؤلفه‌های ژئوپلیتیک آن آشکار می‌شود.

علت انتخاب این چهارچوب تحلیلی این می‌باشد که ارمنستان نیز همچون کشورهای حوزه کارائیب کوچک می‌باشد و از کشورهای تازه استقلال یافته به حساب می‌آید. روش کار اندرسون دو ویژگی مهم دیگر دارد که امکان تحلیل صحیح شرایط ژئوپلیتیک ارمنستان را فراهم می‌کند و همچنین شرایط درک سیاست خارجی این کشور با ایران و ترکیه را فراهم می‌سازد. رجوع تاریخی؛ که از طریق آن می‌توان به تجربیات تاریخی و شرایط تاریخی آنان توجه نمود. از سویی دیگر این شرایط ژئوپلیتیک را باید در راستای سیاست کشور بزرگ در

1 - Gearoid Tuathail

2 - problematizing geopolitics: survey statesmanship and strategy

همسایگی آن کشور در نظر گرفت که در آن صورت می‌توان به رفتار تاریخی و کنونی ترکان و ایرانیان در قبال ارمنه پرداخت. اندرسون کار خود را یک روش غیرمتداول می‌داند. چنانچه بیشتر از آنکه به موضوعاتی همچون قدرت نظامی ملی و یا آرمان ملی توجه کند، ژئوپلیتیک کشورهای کوچک را بیشتر متأثر از جغرافیایی می‌داند که آن کشورها در آن قرار دارند (Tautahil, 1994 a: 262). روش کار اندرسون برای فهم جامع از موقعیت ژئوپلیتیکی یک منطقه و یا کشوری خاص شامل فرایندی است که بدون رعایت کامل آن درک ژئوپلیتیک از روابط ناممکن است. پس در این پژوهش با توجه به روش کار اندرسون بررسی بنیان‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ارمنستان با همسایگانش در بخش‌های زیر صورت می‌پذیرد:

- ۱- رجوع تاریخی؛ ۲- بررسی منازعه جغرافیایی؛ ۳- بررسی عوامل ژئوپلیتیکی کنونی و نوع رابطه با قدرت بزرگ.

مؤلفه‌های روش اندرسون و نحوه به‌کارگیری آن درباره ارمنستان به صورت شکل شماره ۱ نشان داده می‌شود.



شکل شماره ۱: مدل تحلیلی تامس اندرسون شکل شماره ۲: جنبه‌های مورد بررسی درباره ارمنستان

نکته مهم در به‌کارگیری مدل اندرسون برای بررسی سیاست خارجی ارمنستان فهم این مسئله می‌باشد که شرایط ژئوپلیتیک کشورهای کوچک بیشتر از آنکه متأثر از شرایط داخلی آنان باشد متأثر از روابط تاریخی - جغرافیایی آن کشور با قدرت‌های بزرگ همسایه است. در واقع سیاست‌های کنونی به‌گونه‌ای ریشه در تاریخ و جغرافیایی روابط دارند. مسئله دیاسپورای ارمنی و همچنین نسل‌کشی ارمنه در ۱۹۱۵ کاملاً مرتبط و مربوط با وضعیت تاریخی ترکیه و ایران است. چنانچه نسل‌کشی ارمنه در ۱۹۱۵ که از بنیان‌های اصلی ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ارمنستان و نیز از تجربیات تاریخی آنان به حساب می‌آید. تنها با درک رفتار ترکان و همچنین رفتار تاریخی ایرانیان در قبال اقلیت ارمنی قابل درک است. پس با بررسی نسل‌کشی ارمنه و توضیح رفتار تاریخی ایرانیان و ترکان یکی از موارد مدل اندرسون یعنی رجوع تاریخی انجام می‌گردد. در این پژوهش ضمن استخراج منابع ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ارمنستان تلاش می‌گردد تا موضع ایران در قبال آن بنیادها را نیز نشان داد. بحث منازعه قره‌باغ در این پژوهش رجوع به یکی دیگر از شرایط مدل اندرسون، یعنی توجه به منازعه جغرافیایی می‌باشد.



شکل شماره ۴: تلاقی موقعیت ایران با سیاست خارجی ارمنستان

شکل شماره ۳: تلاقی موقعیت ترکیه با سیاست خارجی ارمنستان

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل ژئوپلیتیکی تامس اندرسون بهره‌گرفته شده است. روشی که از آن به‌عنوان روش اختلاط جغرافیایی یاد می‌شود. در این روش ضمن توجه به جغرافیا به‌عنوان مبنای اصلی تحلیل، سیاست خارجی کشورهای کوچک در سه مرحله رجوع تاریخی، منازعات جغرافیایی و ژئوپلیتیک کنونی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رجوعی تاریخی: اقلیت ارامنه و رفتار تاریخی همسایگان بزرگ

ارمنستان با ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع مساحت، در جنوب‌غربی منطقه قفقاز و با کمی فاصله از سواحل جنوب شرقی دریای سیاه واقع شده و همچون کمربندی بین مرزهای ایران از یک سو و جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان از سوی دیگر گسترده شده است. این کشور از جنوب با ایران، از جنوب‌غربی با جمهوری خودمختار نخجوان، از غرب با ترکیه و از شمال با گرجستان و از شرق با جمهوری آذربایجان مرز مشترک دارد. این کشور کوهستانی در شمال فلات ایران و جنوب سلسله جبال قفقاز واقع شده است. ارامنه به‌عنوان یک ملت دارای ریشه‌ای کهن در تاریخ می‌باشند. اما از سال ۱۳۷۵م تا ۱۹۱۸م از داشتن دولت مستقل محروم بوده‌اند. همواره از ارامنه به‌عنوان دیاسپورا یاد شده است. آنان در طول تاریخ فرا گرفته‌اند که چگونه وحدت قومی خود را از امپراتوری‌های بزرگ چند قومیتی همچون عثمانی و ایران و نیز در طی حکومت‌های شوروی و روسیه حفظ کنند. بخش زیادی از قلمرو کهن و باستانی ارمنی‌ها همچون آناتولی شرقی و قره‌باغ جزئی از قلمرو کنونی ارمنستان به‌حساب نمی‌آید. در باب ویژه بودن فرهنگ و مذهب در ارمنستان باید به گفته آلا میروزیان^۱ توجه داشت. چنانچه وی اشاره می‌نماید که ارمنی‌ها را نه می‌توان ملتی شرقی دانست و نه غربی دانست (Mirozoyan, 2007: 228). در زمینه مذهب و ادبیات با اروپائیان تاریخ مشترک دارند و مذهب و کلیسای آنان هنوز در زندگی اجتماعی و نهادهای حکومتی نقش مهمی دارد.

همچنین از لحاظ قومی از انسجام جدی برخوردارند و تنها کشوری در جنوب قفقاز هستند که درگیری داخلی و قومی ندارند.

در اوایل قرن بیستم زوال اقتصادی و سیاسی امپراطوری عثمانی همراه بود با بیداری فرهنگی ارمنی‌هایی که در راستای استقلال خود می‌کوشیدند. بیداری فرهنگی ارمنه خواست استقلال‌طلبی آنان را تشدید می‌کرد. اما برخورد امپراطوری عثمانی با این بیداری و خواست استقلال‌طلبی شدید بود. ارمنه معتقدند که در جریان سرکوب خواست استقلال‌طلبی آنان توسط عثمانی‌ها جمعیت زیادی از آنان از بین رفته است. ترس از محاصره تاریخی در یکصد سال گذشته، تأثیری خاص بر ذهنیت ارمنه گذاشته است و روانشناسی منحصر به فردی در آنها ایجاد نموده است. ارمنه را با اندکی تسامح می‌توان با لهستانی‌ها مقایسه نمود. محاصره در میان دو قدرت بزرگ و رقیب و در مقاطعی نیز قربانی شدند. سرکوب‌های دوران عثمانی، بویژه قتل عام‌ها و تبعیض‌های اجباری در سال ۱۹۱۵ که توسط ترک‌ها به عمل آمد در کل تاریخ ارمنستان بویژه تاریخ معاصر آن، اثر جدی گذاشته است و به نوعی به وحشت و درون‌نگری در اذهان ارمنه دامن زده است. به دلیل اینکه ارمنه آذری‌ها را متحد ترک‌ها می‌دانند با کوچکترین درگیری در قره‌باغ خاطرات کشتار سال ۱۹۱۵ در اذهان آنان زنده می‌شود و در حقیقت برای آنان عکس‌العمل به آذری‌ها عکس‌العمل به ترک‌ها به حساب می‌آید. هم ترک‌ها و هم ارمنه برداشت تاریخی خود را از تحولات اوائل قرن بیستم دارند. هیچ یک از شهرهای ارمنستان بدون یادمانی از آن حوادث نیست (Arlen, 1982: 505). بعضی از محققان همچون میلر لرنر^۱ معتقدند که دو میلیون ارمنی قبل از نسل‌کشی ارمنه در عثمانی آن روز زندگی می‌کردند (Touryan, 1993: 4). ادعایی که توسط بیشتر محققین برجسته مورد تأکید و قبول بوده است (Hovannisian, 1993: 5). از زمان استقلال، بحث شناسایی بین‌المللی نسل‌کشی در کانون سیاست خارجی ارمنستان قرار داشته است. چنانچه بعضی از محققان معتقدند که از اهداف اولیه و مؤثر بر سیاست خارجی ارمنستان مسأله شناسایی نسل‌کشی در عرصه بین‌المللی می‌باشد و دیاسپورای ارمنی همواره تلاش نموده است که به آن یک وجه بین‌المللی

1 - Miller Lorna

بیخشد (Gorgulu, 2008: 18). در دوره اول ریاست جمهوری پطروسیان، تلاش‌هایی برای تنش‌زدایی صورت گرفت که نهایتاً با همراه شدن مباحث مربوط به شناسایی نسل‌کشی با منازعه قره‌باغ به نتیجه خاصی نینجامید و روابط ارمنستان و ترکیه تیره‌تر گشت. ترکیه خواست ارامنه را یک نوع تلاش برای افزایش شخصیت بین‌المللی می‌داند و از پذیرفتن رسمی بحث نسل‌کشی ارامنه اکراه دارد (Zalewski, 2010: 1). اما ارامنه تجربیات تاریخی کاملاً متفاوتی در رابطه با ایران دارند. ارامنه همواره در ایران از زندگی عادلانه‌ای برخوردار بوده‌اند. با آنکه بعد از تسخیر قفقاز توسط روسیه بسیاری از ارامنه داخل ایران به آنجا مهاجرت کردند و تعداد آنها کم شد (Berberian, 2001: 17). اما ساساریان در اثر جامع خود «اقلیت‌های ایران» آنان را بزرگترین اقلیت ایران به حساب می‌آورد (Sanasarian, 2000: 39). سابقه رابطه خوب میان ایران و ارمنستان به قبل از استقلال دولت کنونی ارمنستان برمی‌گردد و از قرن‌ها پیش که ارامنه در ایران مشغول به زندگی بودند همواره روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشته‌اند. شاه عباس خدمات زیادی به آنها ارائه کرد. در مقابل در دوره جنگ‌های ایران و روسیه حسین‌قلی خان حاکم ارامنه قفقاز تلاش زیادی در حمایت از ایران انجام داد.

در اوایل قرن ۱۷، شاه عباس تعداد زیادی از ارمنی‌های جلفا را به اصفهان آورد. این اقلیت مسیحی به یک بدنه مهم اقتصادی در ایران تبدیل شدند. ارمنه، شاه عباس را به‌عنوان نجات‌دهنده خود از دست ترکان می‌دیدند. چنانچه آنان در زمانی که عضوی از امپراطوری عثمانی بودند مالیات زیادی می‌دادند و مورد تبعیض واقع می‌شدند. اما صفوی‌ها احترام مذهبی ارامنه را کاملاً رعایت می‌کردند و ارامنه جلفا خودشان کلاتر و شهردار را انتخاب می‌کردند و حتی دادگاه خاص خودشان را نیز داشتند. آنها که جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر داشتند از یک رهبر مذهبی هم برخوردار بودند که توسط کلیسای ایچمیادزین^۱ انتخاب می‌شد و متعاقب نسل‌کشی ۱۹۱۵، بسیاری از آنان بعد از فرار و اخراج از عثمانی در شمال غربی ایران ساکن شدند. که در پی انقلاب مشروطه به‌عنوان یک اقلیت مهم صاحب نماینده در مجلس ایران شدند. تجارت یکی از مهمترین فعالیت‌های ارامنه ایرانی در قبال سرزمین مادری‌شان

بود (Aghanian, 2007: 1). فرایند مدرنیزاسیون در دوره پهلوی‌ها فرصت‌های زیادی برای پیشرفت به آنها داد. چنانچه ضمن تماس با غربی‌ها به پیشرفت‌های بزرگی در هنر و اقتصاد رسیدند. علاوه بر موفقیت‌های مهمی که در هنر و علم به دست آوردند در بخش‌های مهمی چون شرکت نفت، صنعت خاویار، دخانیات و... فعال بودند. بعد از انقلاب ۱۳۵۷، در مجلس شورای اسلامی دو نماینده برای ارامنه در نظر گرفته شد. یکی از آن دو نماینده باید از حوزه تهران باشد و دیگری در حوزه اصفهان انتخاب می‌گردد (Sanasarian, 2000: 40). در میانه دهه پنجاه میزان ارامنه ایران را ۲۵۰۰۰۰ نفر دانسته‌اند. اما در سالهای اخیر تعداد آنها به ۱۵۰۰۰۰ نفر کاهش یافته است (Sanasarian, 2000: 36-37).

توجه به منازعه جغرافیایی: منازعه قره‌باغ و میانجی‌گری ایران

ثبات منطقه قفقاز قبل از فروپاشی شوروی برهم خورد و برخی از صاحب‌نظران معتقدند که تحولات قفقاز در سرعت بخشیدن به فروپاشی شوروی مؤثر بود. اولین اقدام برای جدایی‌طلبی، پیش از فروپاشی در دوران زمامداری گورباچف، در قفقاز جنوبی و سپس قفقاز شمالی اتفاق افتاد. در سال ۱۹۸۹ درگیری‌های قومی از آبخازستان آغاز شد. جایی که اقلیتی ۱۸ درصدی از آبخازهای جمهوری خودمختار آبخازستان، خواهان جدایی از گرجستان و پیوستن به روسیه شدند. در همین سال، جدایی‌طلبان اوستیای جنوبی نیز خواهان جدایی از گرجستان و پیوستن به روسیه شدند. در سال ۱۹۹۱ جمعیت تقریباً ۱۵۰ هزار نفری ارامنه قره‌باغ کوهستانی در آذربایجان اعلام جمهوری و خودمختاری کردند این استقلال‌طلبی ذکر شده منجر به جنگی خونین میان آذربایجان و ارمنستان شد (Amirahmadian, 1998: 190). در دوره شوروی مرزهای بین جمهوری‌ها و واحدهای سیاسی و اداری قفقاز، عمدتاً بر مبنای قلمروهای قومی و نژادی ترسیم شده بود. برخلاف کشورهای مستعمراتی آفریقا که پس از استقلال همان مرزهای دوران استعماری را پذیرفته و درگیری‌های مرزی را به حداقل رساندند، در قفقاز پس از فروپاشی شوروی، مرزها، یکی از علل تنش بین واحدها بود (Ibid: 193).

قفقاز که در مرز میان دو تمدن اسلامی و مسیحی و سه فرهنگ ایرانی، روسی و ترکی قرار

گرفته است (Koolae, 2010: 76). مسئله مرزهای آن، یکی از دشوارترین مسائل مرتبط با مسئله ملی در اتحاد شوروی سابق بود. عمده مرزهای بین جمهوری‌ها و نواحی و مناطق خودمختار، بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های همگون ملی صورت گرفت. دلیل این امر تصویرسازی رژیم شوروی از مفهوم، ملت همپای دولت با حق حاکمیت ملی بود که اجازه می‌داد تا ملیت‌های کوچکتر که فاقد شروط لازم برای اعمال حق حاکمیت ملی بودند، ولی ساختار حکومتی خود را داشتند، جمهوری‌های خودمختار خود را شکل بدهند (Arfaei, 1992: 169). آذری‌ها همواره از ترکیه خواسته‌اند که همچنان مرز مشترک خود را با ارمنستان بسته نگه دارد. دو رئیس جمهور آذربایجان حیدر علی‌اف و عسگراف همواره به ترکیه هشدار می‌دادند که هر نوع فکر بازگشایی مرزها میان ارمنستان و ترکیه موجب آسیب و لطمه جدی به رابطه ترکیه و آذربایجان خواهد شد. تصور آذری‌ها بر این پایه بوده که در صورت وارد آمدن فشار همه‌جانبه به ارمنی‌ها، آنها از مطالبات خود در قره‌باغ دست خواهند کشید. گرگیلیو آیبارس ضمن اشاره به نکته مذکور اشاره می‌نماید که بسته بودن مرزها میان ترکیه و ارمنستان موجب لطمه جدی به روابط آذربایجان و ارمنستان گردیده است، تا اینکه بخواهد به حل مناقشه کمک نماید (Gorgulu, 2008: 14).

درباره سیاست خارجی ایران در قبال این منازعه ابتدا باید به اهمیت مسائل ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران توجه داشت. قفقاز به‌طور کلی منطقه‌ای پرتنش می‌باشد که با فروپاشی شوروی سابق، به محل رقابت ایران و ترکیه برای نفوذ بیشتر تبدیل شد. چرا که تلاش اولیه سیاست خارجی ایران در قبال قفقاز، نفوذ در آن و رهایی از انزوی تحمیلی از سوی آمریکا بود. در واقع بعد از درگذشت آیت‌الله خمینی و پایان یافتن جنگ با عراق سیاست خارجی ایران که به سوی اعراب سوق پیدا کرده بود، با فروپاشی شوروی، به سمت کشورهای تازه استقلال یافته قفقاز و آسیای مرکزی متمایل گشت (Sadeghzade, 2008: 2). تا آنجا که بعد از جنگ هشت ساله سیاست‌های صدور انقلاب به سیاست عمل‌گرایانه تغییر یافت و به‌نوعی سیاست خارجی ایران در دوران بعد از درگذشت آیت‌الله خمینی به سوی واقع‌گرایی پیش رفت (Rasmussen, 2009: 4). ایران تلاش نمود در قفقاز بسیار عمل‌گرایانه رفتار نماید. در واقع

ژئوپلیتیک حساس ایران دستگاه سیاست خارجی را وادار به عمل واقع‌گرایانه نموده است (Barzegar, 2008: 35). نگرش انتقادی معتقد به این است که سیاست خارجی ایران، سیاست خارجی یک کشور منزوی است که تلاش دارد عقلانی عمل نماید (Dehghani Firouz, 2008: 5). حتی بعد از روی کار آمدن نومحافظه‌کاران [دولت نهم و دهم] و علی‌رغم رشد دشمنی اعلانی با اسرائیل سیاست خارجی ایران گرایش واقع‌گرایانه خود را حفظ کرده است (Rasmussen, 2009: 4).

با اینکه در بهمن ماه ۱۳۷۰ روابط حسنه‌ای میان ایران و ارمنستان برقرار گردید (Shaffer, 2003: 19). اما روابط میان ایران و آذربایجان از همان آغاز استقلال آذربایجان که دولت ایلچی‌بیگ قدرت را در دست داشت، متزلزل و گاهی تخصصی بود (Sadeghzade, 2008: 3). چرا که ائتلاف و گرایش بعضی کشورهای قفقاز همچون آذربایجان و گرجستان با اسرائیل باعث نزدیکی ایران به ارمنستان شده بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۶). با این وجود در منازعه قره‌باغ ایران به‌طور رسمی اعلام بی‌طرفی نمود (Shaffer, 2003: 19). سیاست ایران در راستای نفوذ در قفقاز با موانعی همراه بود. آمریکا همواره تلاش داشت که نفوذ سیاسی ایران در قفقاز در سطح پایینی باشد (Novikov, 2000: 61). به‌طور کلی آمریکا با اهداف استراتژیک، اسرائیل با اهداف امنیتی و ترکیه با اهداف سیاسی و اقتصادی به برقراری مثلث استراتژیک [برای مهار ایران] پرداختند (Afzali & Hosseini, 1999: 19).

موقعیت تاریخی-تمدنی، ژئوپلیتیک و سیاسی-امنیتی ایران در نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای است که اتخاذ رویکردهای مختلفی را در عملیاتی کردن سیاست خارجی ایران اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. چنانچه بعضی از صاحب‌نظران مطالعات سیاست خارجی چالش اصلی سیاست خارجی ایران را ایجاد تعادل بین دو عنصر ژئوپلیتیک و ایدئولوژی می‌دانند (Ramazani, 2004: 550). مسئله دیگری که باید درباره موضع ایران در قبال منازعه قره‌باغ مورد توجه قرار داد شرایط امنیتی قفقاز و سیاست‌های غرب‌گرایانه آذربایجان است. در دوران جنگ سرد قلمرو دو پیمان نظامی عمده جهان ناتو و ورشو، در قفقاز با یکدیگر تلاقی می‌کردند. از همین‌رو، این منطقه از لحاظ نظامی-امنیتی برای شوروی و آمریکا بسیار با

اهمیت و استراتژیک بود و در حقیقت، هر دو کشور با تجهیز خود برای کنترل فعالیت‌های نظامی یکدیگر برحساسیت منطقه افزودند. فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد نقطه عطف دیگری در تعمیق برداشت‌های تهدید متقابل بین ایران و آمریکا به حساب می‌آید. پیش از آن در سال ۱۹۹۰ حمله عراق به کویت و متعاقب آن شکست صدام حسین در جنگ، منجر به حضور مستقیم و گسترده آمریکا در منطقه گردید. با فروپاشی شوروی و خروج این کشور از صحنه قدرت و سیاست خلیج فارس، آمریکا برای اولین بار به‌عنوان قدرت بی‌چون و چرای منطقه مطرح و به تثبیت نظم مورد نظم خود پرداخت (Brzezinski, 1993: 173-174). آذربایجان با شرکت در مانور دریایی اسرائیل-ترکیه در آب‌های مدیترانه تمایل خود را به‌سوی آمریکا و متحدانش نشان داده داد (Samdaly, 2000: 65). از سویی آمریکا یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاران در آذربایجان می‌باشد و برای امنیت آن کشور سیاست ایجاد پایگاه‌های نظامی را دنبال می‌کند (Ibid: 64). در این راستا تلاش دارد که ایران را به‌عنوان یک همسایه نامطلوب از آذربایجان دوری نماید (Amirahmadian, 1998: 84). اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد، تمامی مرزهای شمال غربی ایران در محاصره ناتو درخواهد آمد و زمینه برای حضور هرچه بیشتر اسرائیل فراهم خواهد شد. این امر همچنین گسترش هرچه بیشتر اندیشه‌های لیبرالیستی و لائیک در منطقه را در پی خواهد داشت (Samdaly, 2000: 66). در سال‌های اخیر تمایلات غرب‌گرایانه آذربایجان را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد: ۱- حضور جدی در خط لوله نفتی باکو - جیهان؛ ۲- همکاری و حضور در ائتلاف بین‌المللی در افغانستان و عراق؛ ۳- خروج از پیمان امنیت جمعی کشورهای مشترک المنافع (این مسئله نشان‌دهنده رویگردانی آذربایجان از سیاست‌های روسیه می‌باشد)؛ ۴- عضویت در اتحادیه غرب‌گرای گوم و طرح مشارکت برای صلح ناتو اشاره کرد. آذربایجان دارای گاز کافی برای شرکت در طرح آمریکایی - اروپایی نوباکو می‌باشد. ایران در چارچوب دیدگاه امنیتی خود معتقد است که هرگونه تلاش برای نظامی کردن منطقه، ایجاد بلوک‌بندی‌های نظامی و زمینه‌سازی برای دخالت دیگر بازیگران، نمی‌تواند امنیت پایدار ایجاد کند. امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه برقرار شود. از نظر جمهوری اسلامی ایران، یک فرمول اصولی و اطمینان‌بخش که مبنای تفاهم مشترک و متقابل همه کشورهای منطقه باشد، می‌تواند متضمن تأمین امنیت شود و هرگونه ترتیبات امنیتی که

یک یا چند کشور را کنار بگذارد نه تنها کامل نیست بلکه کشورهای کنار گذاشته شده می‌توانند خود به صورت منبع ناامنی در منطقه ظهور کنند. با آنکه منازعه ایران با بیگانگان در قفقاز همواره بر سر مطامع ارضی بوده است اما از سال ۱۹۱۸ میلادی، همزمان با تشکیل جمهوری آذربایجان در شمال ارس، ماهیت فرهنگی و قومی نیز پیدا کرده است (Bayat, 2008: 183).

علاوه بر آن، ایران از همان ابتدای استقلال آذربایجان از دو جهت با این کشور اختلاف داشته است: ۱- بحث بر سر رژیم حقوقی دریای خزر؛ ۲- گرایش‌های غرب‌گرایانه این کشور (Afrasiabi & Maleki, 2003: 258).

حال سوال مطرح این می‌باشد که مخالفت با آذربایجان و اهمیت مسائل ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران در رابطه میان ارمنستان و ایران چگونه خود را آشکار ساخته است؟ و آیا با رجوعی در منازعات جغرافیایی (همان‌گونه که مدل تحلیلی اندرسون ضرورت آن را بیان می‌کند) می‌توان روابط ارمنستان و ایران را بررسی نمود. همچنین این مخالفت و اهمیت مسائل ژئوپلیتیک در سیاست خارجی، ایران را در منازعه قره‌باغ به چه سویی کشانده است؟

با آنکه کشور آذربایجان در مقایسه با ارمنستان از لحاظ مذهبی و حتی قومی از شباهت زیادی با ایران برخوردار است، و همواره میان دو کشور مناسباتی وجود داشته است (Cornell & Starr, 2006: 47). اما به علت گرایش‌های غرب‌گرایانه آذربایجان، ایران هیچ‌گاه تمایل جدی به گسترش بیشتر این روابط را نداشته است و ایران در تحولات قفقاز و مسائل سیاسی همواره به سوی ارمنستان متمایل بوده است و این مسئله نشان‌دهنده میزان اهمیت مسائل ژئوپلیتیکی برای سیاست خارجی ایران می‌باشد.

مورتون انستروپ معتقد است ایران از رویکردهای الحاق‌گرایانه قومی آذربایجان هراس دارد و با توجه به وجود اقلیت ترک در شمال ایران در پی راه چاره برای این مسئله می‌باشد. پس به ارمنستان به عنوان راه مقابله با آذری‌ها نگاه می‌کند و منافع ایران در منازعه قره‌باغ حمایت از ارمنستان می‌باشد (Rosenkvist, 2005: 28-29). جنگیز پهلوان نیز معتقد است که ایران به بحران قره‌باغ به عنوان یکی از عناصر تهدید امنیت ملی خود نگاه می‌کند. اولین دلیل آن

به‌طور طبیعی همسایگی طرفین درگیر با ایران است. به‌طوری که وقتی در سال ۱۹۹۳ درگیری‌ها به نزدیکی مرزهای ایران کشیده شد، ایران از مواجهه با هجوم پناه‌جویان و یا احتمال مداخله نظامی قدرتهای خارجی بسیار نگران شده بود (Pahlavan, 1992: 16). به علاوه ایران خواهان کاهش نفوذ ترکیه در منطقه بوده است و به آرامه به‌عنوان یک مانع در مقابل نفوذ ترک‌ها نگاه می‌کند و در این راستا خود را به‌عنوان دوست اقتصادی ارمنستان مطرح نموده است (Khachaturian, 2002 b: 28). در مقابل ارمنستان نیز روابط بسیار خوبی را با ایران برقرار ساخته است. ایران در ابتدای منازعه قره‌باغ برای کاهش نفوذ محور ترکیه، اسرائیل و آمریکا در قفقاز از ارمنستان حمایت کرد (Jalili, 2002: 54). این حمایت از آنجا که آذربایجان محل نفوذ کشورهای مذکور بود، قابل درک بود. این حمایت برجسته نمودن محور ایران، ارمنستان و روسیه نیز بود (Sadegh-Zadeh, 2008: 3). محوری که برای روسیه نیز مهم بود. چنانچه سیاست روسیه نیز در راستای حمایت از ارمنستان تا حد کمک نظامی و تدارک سلاح برای آن کشور پیش رفت (Darchiashvili & Tamara, 2003 : 515). از سویی دیگر آذری‌های ایرانی می‌خواستند که دستگاه سیاست خارجی ایران به‌طور جدی به حمایت از آذربایجان بپردازد. حتی عده‌ای از آنان به‌طور غیرقانونی از مرز گذشتند و به کمک برادران هم‌زبان خود شتافتند (Ramezanzadeh, 1996: 6). اما ایران از کشیده شدن این منازعه به درون مرزهای خود نگران بود و طرفدار حل سریع آن بود. حتی عده‌ای معتقدند که میانجی‌گری ایران در منازعه قره‌باغ را باید بخشی از استراتژی سیاست خارجی ایران در قفقاز دانست و ایران برای حل آن معتقد به قوانین بین‌المللی است تا مطالبات متفاوت تاریخی (Ramezanzadeh, 1996: 6). به هر حال بعد از حمایت اولیه ایران از ارمنستان، ایران تغییر رفتار داد و تلاش کرد نقشی میانجی‌گرانه را ایفاء نماید (Sadegh-Zadeh, 2008: 3). در پی متشنج شدن رابطه میان آذربایجان و ارمنستان، در بهمن ۱۳۷۰ علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران ضمن سفر به قفقاز به گفتگو با رئیس‌جمهور آذربایجان و ارمنستان پرداخت و برای میانجی‌گری و حل مناقشه اعلام آمادگی کرد. در مرداد همین سال هیأت‌های بلندپایه‌ای از آذربایجان و ارمنستان از تهران دیدن کردند. پاپازیان از مشاورین آقای پطروسیان نماینده ارمنستان در مذاکرات بود و آلبرت

سالاموف هم نماینده هیئت آذری بود که از طرف وزیر به مذاکرات فرستاده شده بود. آنها در چندین جلسه با آقای واعظی نماینده آقای ولایتی وزیر امور خارجه بحث و مذاکره کردند. اولین مشکل در این مذاکرات، حضور نمایندگان قره‌باغ در مذاکرات بود. ایران با موافقت حضور آنان گرایش خود را به ارمنستان نشان داد. این در حالی بود که آذری‌ها اعتراض کردند که قره‌باغ هنوز بخشی از خاک آذربایجان می‌باشد و این به معنی تمایل ایران به استقلال آن است. آذربایجان معتقد بود تنها زمانی می‌توان به مذاکرات تهران امیدوار بود که ارمنستان در امور قره‌باغ دخالت نکند.

واعظی در مقاله‌اش با عنوان بحران قره‌باغ و میانجی‌گری ایران بحث می‌نماید که ارمنستان حمایت سیاسی و اخلاقی خود را از قره‌باغ منکر نشد و معتقد بود که در صورت دست برداشتن از حمایت ارمنی‌های قره‌باغ، آذربایجان آنجا را اشغال خواهد کرد. موضع ایران در پیشنهادی که برای حل منازعه داد آشکار تر گشت، ایران پیشنهاد کرد که مذاکرات در آینده درباره وضعیت حقوقی خودمختاری قره‌باغ ادامه یابد (Vaezi, 2008: 11). که موضعی متمایل به ارمنستان بود تا آذربایجان. در پایان نتیجه مذاکرات در ۱۴ بند مشخص شد. بعضی از مهمترین بندهای مذاکرات شامل موارد زیر می‌باشد: دو طرف موافقت کردند بعد از آنکه رئیس جمهورهای دو کشور بیانیه تهران را امضاء کردند اجرایی گردد. یکی از بندهای بیانیه خودمختاری قره‌باغ بود. رئیس جمهور آذربایجان از امضاء بیانیه خودداری کرد و آن را نشانه حمایت ایران از ارمنستان دانست و به این ترتیب بیانیه تهران هیچ نتیجه‌ای در بر نداشت. واعظی تلاش‌های جدی انجام داد تا دوباره مذاکرات از سر گرفته شود. دوره دوم مذاکرات، واعظی به نمایندگی ولایتی وزیر امور خارجه چند سفر انجام داد. واعظی در این باره می‌گوید: برای به نتیجه رسیدن مذاکرات حتی با نمایندگان روسیه در مسکو دیدار کرده است. در بحث میانجی‌گری ذکر این نکته مهم می‌باشد که مذاکراتی که در آن ایران و روسیه نقش اصلی را داشته‌اند، نمی‌تواند برای آذربایجان مطلوب باشد. کشورهای بزرگ نیز از میانجی‌گری ایران ناراضی بودند. دوره دوم مذاکرات بر روی برقراری آرامش در منطقه متمرکز بود. در فروردین ۱۳۷۱، بر سر استقرار صلح در منطقه میان طرفین توافق شد، و هیئت ایرانی بر اهمیت آن برای

ادامه دور بعد مذاکرات تأکید کرد. نشست تهران نشانگر تلاش جدی ایران برای حل بحران بود. در حالی که هنوز چند ساعت از بیانیه تهران نگذشته بود، بین آذربایجان و ارمنستان جنگ در گرفت و مذاکرات به شکست انجامید. به هر حال ایران با میانجی‌گری میان ارمنستان و آذربایجان در فصل مهمی از حیات سیاسی کشور ارمنستان نقش ایفاء کرد. میانجی‌گری در منازعه قره‌باغ عزم ایران را برای برقراری صلح در منطقه نشان داد. میانجی‌گری برای سیاست خارجی ایران در شرایطی که آمریکا تلاش داشت ایران را منزوی سازد یک موفقیت به حساب می‌آمد. چنانچه سازمان ملل نیز از نقش مثبت ایران در مذاکرات تجلیل کرد (Ramezanzadeh, 1996: 6). عملکرد ایران در منازعه قره‌باغ به‌عنوان میانجی‌گر تا حدودی سیاست آمریکا را خنثی نمود. به‌طور کلی منازعه قره‌باغ از دو جهت منافع ایران در منطقه را تقویت نمود: ۱- ناتوان نمودن آذربایجان در تخصیص همه امکانات و توجه‌اش به سیاست‌های قومی در تبلیغ پان‌ترکیسم و جذب آذری‌های ایران؛ ۲- میانجی‌گری ایران و تحقق نسبی منافع ایران با دخیل شدن در مناسبات نظامی و امنیتی منطقه (Shaffer, 2003: 19-20).

مسائل ژئوپلیتیک کنونی: ارمنستان و فقر منابع

بخش واقعیات ژئوپلیتیکی (سرزمینی - سیاسی) کنونی ارمنستان نقش مهمی در روشن شدن بنیادهای ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی این کشور و رابطه آن با ایران ایفا می‌نماید. درباره مسائل ژئوپلیتیک کنونی ارمنستان باید توجه نمود که از سویی محصور بودن در خشکی، ارمنستان را به‌سوی ایران کشانده است. در مقابل نیز چون ایران مخالف نفوذ ترکیه در قفقاز است خواهان رابطه جدی با ارمنستان برای نقش‌آفرینی بیشتر در قفقاز است و می‌توان گفت که روابط میان ارمنستان و ایران کاملاً بر پایه واقعیات ژئوپلیتیکی قرار دارد (Sadeghzade, 2008: 3). علاوه بر آن ارمنستان در بحث انتقال انرژی برای ایران بسیار مهم می‌باشد (Novikov, 2000: 61). مهمترین بخش همکاری میان ایران و ارمنستان، بخش انرژی می‌باشد (Sadeghzade, 2008: 3). پس ارمنستان به‌خاطر قطع رابطه با همسایگان غربی و شرقی خود و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و مشکل تأمین انرژی، از زمان استقلال خواستار تقویت رابطه با ایران بود

است. علاوه بر آن از آنجا که ایران در مسئله قره‌باغ نیز همواره موضعی در راستای خواست ارمنی‌ها گرفته است (Minassian, 2008: 7). ارمنستان با تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران موافق نبوده، سیاستی که به نظر می‌رسد در ادامه سیاست‌های اولیه روسیه نسبت به ایران در مقابل آمریکا باشد. چنانچه روسیه نیز در مواقعی از تهران در مقابل تهدیدات جدی حمایت کرده و به راه حل‌های دیپلماتیک در مسئله هسته‌ای ایران توجه داشته و نیز در تکمیل نیروگاه بوشهر به ایران قول همکاری داده است.

همان‌طور که هاروتین کوچاتوریان به درستی اشاره می‌نماید ارمنستان علاوه بر وضعیت نامناسب سرزمینی، به‌طور جدی دچار کمبود منابع سوختی است و در راستای رفع این تهدید مشتاق داشتن روابط گسترده‌ای با ایران می‌باشد (Khachaturian, 2002 a: 28). به همین خاطر روابط ایران و ارمنستان در طول تمام دهه گذشته نیرومند و مثبت بوده است. در آبان ۱۳۸۰ قرارداد انتقال گاز ایران میان دو کشور به امضاء رسید و به مهمترین نماد همبستگی و همکاری متقابل دو کشور تبدیل شده است (Jalili, 2002: 54). ایران و ارمنستان در سال ۱۳۷۴ قراردادی را امضاء کردند که ایران سالانه ۱ میلیون متر مکعب گاز به ارمنستان انتقال دهد و این مسئله باید به مدت ۱۵ سال ادامه می‌یافت. ابتدا به علت نبود اعتبارات مالی کافی این پروژه به مرحله‌ی اجرا در نیامد. تا آنکه در سال ۱۳۸۴ جمهوری ارمنستان و شرکت گاز ایران قراردادی مبنی بر احداث ۴۲ کیلومتر خط انتقال گاز با هم بستند. در این طرح بانک توسعه صادرات اعتبار آن را تأمین کرد که آغاز آن به سال ۱۳۸۶ افتاد. از آنجایی که این خط لوله برای نیاز گازی ارمنستان کافی نبود، خط لوله‌ای دیگر به طول ۱۹۷ کیلومتر احداث گردید. در این زمان ارمنستان پیشنهاد کرد که از خاک این کشور برای انتقال گاز به کشورهای دیگر نیز استفاده گردد که طبق این طرح گاز ایران به ارمنستان و از آنجا به گرجستان و سپس به دریای سیاه و نیز اکراین و کشورهای اروپایی انتقال یابد. خط لوله ایران-ارمنستان همچین می‌تواند به‌عنوان رقیب خط لوله شمال که از روسیه به ارمنستان و سپس از گرجستان می‌گذرد، به حساب آید. بخشی از گاز عرضه شده به ارمنستان در کارخانه‌های آن کشور به انرژی الکتریسته تبدیل می‌شود که قرار است در ازای گاز به ایران برق تحویل داده شود. اهمیت این

خط لوله از آنجا آشکار می‌گردد که موجب مبادله دو سویه انرژی می‌باشد. از دیگر موارد، بحث بر سر ساختن خط لوله نفت تبریز - ممری^۱ می‌باشد که در پی آن کارخانه تصفیه نفت نیز احداث می‌گردد. این طرح‌ها هنوز در مرحله مذاکرات به سر می‌برند. نمایندگان و کارشناسان دو کشور در باب تصفیه خانه نفت نیز به بحث پرداخته‌اند، در این راستا وزیر نفت ایران و وزیر اقتصاد ارمنستان با هم دیدار کردند. در مقابل این پروژه روسیه واکنش نشان داده است و به ارمنستان یادآوری کرده که این پروژه مقرون به صرفه نیست، روسیه در مورد خط لوله انتقال گاز ایران به ارمنستان حساس می‌باشد و آن را تا حدودی با منافع خودش مخالف می‌داند. خط لوله‌ای که قرار است سالانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیون متر مکعب گاز به ارمنستان انتقال دهد (Khojayan, 2010: 1). از دیگر قراردادهای مهم در بحث انرژی، توافق نامه میان ایران و ارمنستان در زمینه مبادلات برق است. قراردادی که در سال ۱۳۸۶ بین احمدی‌نژاد و کوچوریان امضاء شد. تحریم‌های اخیر سازمان ملل علیه ایران ممکن است به روابط ایران و ارمنستان آسیب وارد سازد، اما از طرفی با توجه به نوع رابطه این آسیب نمی‌تواند جدی باشد. ایرانیان همواره با آرامنه رفتار خوبی داشته‌اند به همین خاطر آنها تمایل زیادی به بستن قراردادهای انرژی محور با ایران داشته‌اند. این مسئله که ایران از همان ابتدای استقلال یعنی در سال ۱۳۷۱ بزرگترین شریک تجاری این کشور بعد از روسیه بود نشانگر همین مسئله می‌باشد. در حال حاضر به‌طور متوسط روزانه بیش از یک میلیون متر مکعب گاز طبیعی ایران از طریق تأسیسات مرزی نوردوز به ارمنستان صادر می‌شود که برای انتقال این میزان از گاز طبیعی به ارمنستان خط لوله‌ای به قطر ۳۰ اینچ و به طول ۱۱۳ کیلومتر حدفاصل تبریز تا مرز ارمنستان ساخته شده است. آخرین تحولات در رابطه با مسئله صدور انرژی از ایران به ارمنستان به‌سوی شکل‌گیری روابط دوجانبه و معاوضه متقابل انرژی پیش می‌رود. چنانچه مذاکرات جدید میان ایران و ارمنستان بر پایه قرارداد تهاتری و معاوضه دو سویه گاز و برق پیش می‌رود. بر اساس قرارداد جدید میان دو کشور هر متر مکعب گاز ایران با سه کیلو وات برق ارمنستان معاوضه می‌شود. بر این پایه حجم صادرات گاز ایران به ارمنستان به تدریج افزایش خواهد یافت و در

نهایت به دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب (شش میلیون و ۳۰۰ هزار مترمکعب در روز) می‌رسد^۱ (<http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/?cid=14602>). مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، در رابطه با این قرارداد تهاتری یادآور شده است که ایران تا سال ۲۰۱۴ میلادی سالانه بیش از ۲۰ میلیون متر مکعب گاز به این کشور همسایه صادر کند. در این میان، با وصف آنکه کشورهای همچون ارمنستان و گرجستان در تلاشند که از میزان وابستگی خود به روسیه بکاهند اما روسیه از هر ابزاری برای تداوم انحصار گاز خود بر منطقه استفاده می‌نماید. به‌طور ویژه روسیه می‌خواهد تا انتقال گاز طبیعی ایران به گرجستان و اوکراین از راه ارمنستان و همچنین انتقال گاز به اروپا از راه دریای سیاه، را سد کند. با آنکه ارمنستان سالانه حدود دو میلیارد مترمکعب گاز صادراتی روسیه را از طریق خاک گرجستان دریافت می‌کند. روسیه در اقدامی تازه با خرید سهم ارمنستان مانع از ادامه خط لوله ایران به گرجستان شده است. در واقع ارمنستان مسیر بخشی از خط لوله ایران به اوکراین به حساب می‌آید. اما ارمنستان با به عرضه فروش گذاشتن سهام این مسیر انتقال و خریداری آن از سوی روسیه، این شانس ترانزیتی را از ایران گرفت.

دگرگونی شرایط: فرایند عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه و طرح یک

همگرایی جدید در منطقه

با آنکه از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به مجموعه غرب و بویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است (Afzali & Hosseini, 1999: 160). اما امیلیانو الساندرو نویسنده مقاله سیاست خارجی جدید ترکیه و روابط ترکیه - اروپا^۲ مهمترین سوال را درباره ترکیه این می‌داند؛ که آیا غرب ترکیه را از دست داده است؟ و با طرح این سوال چرخش جدی در سیاست خارجی ترکیه را یادآور می‌شود (Alessandri, 2010: 11). این چرخش با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه کاملاً آشکار گشته است (Onis, 2011: 47). در

۱ - مصاحبه خبری مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با پایگاه خبری، تحلیلی ایراس در ۱۸ اسفند ۱۳۸۹

ارمنستان نیز با روی کار آمدن سومین رئیس جمهور ارمنستان و دیدارهای میان وی و سران سیاسی ترکیه، شاهد آغاز دوره جدیدی از تنش‌زدایی سیاسی در منطقه هستیم. از همان آغاز سرکیسیان بحث صلح را در مرکز کار خود قرار داد و عنوان داشت که هرگونه صلحی حتی اگر صلح بدی باشد بهتر از جنگ می‌باشد^۱ (www.armradio.am). سرکیسیان اعلام داشت که پیشنهاد من هم برای ارمنستان و هم قره‌باغ چیزی نیست جزء اتکاء به نقش قوانین بین‌المللی (www.armradio.am)^۲. وی بدون پرداختن به مباحث مناقشه برانگیز اعلام داشت که بعد از نود سال قطع رابطه با ترکیه، می‌خواهد باب گفتگو با این کشور را باز نماید^۳ (<http://english.aljazeera.net>). سرکیسیان اعلام داشت مسئله شناسایی نسل‌کشی باید با توجه به قوانین بین‌المللی دنبال شود (www.panorama.am) و اذعان کرد که این دوره از عادی‌سازی رابطه با ترکیه جدی می‌باشد (<http://voices.washingtonpost.com>).

در حال حاضر ارمنستان و ترکیه گام‌های مهمی برای عادی‌سازی روابط با یکدیگر برداشته‌اند و دیگر شرایط با گذشته متفاوت است (Görgülü, 2008: 29). حال با این شرایط جدید، یعنی عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه و احتمال کاهش وابستگی ارمنستان به ایران، سوال پژوهش حاضر در این بخش این می‌باشد که سیاست خارجی ایران در قفقاز باید به چه صورتی عمل نماید؟ باید توجه نمود که قفقاز به‌طور کلی به‌عنوان رابط میان آسیای مرکزی و اروپا و نیز قرار گرفتن در میان قدرت‌هایی همچون ایران، ترکیه و روسیه و همچنین نزدیکی به عراق و خاورمیانه یک منطقه حساس استراتژیک به حساب می‌آید. پس دستگاه سیاست خارجی ایران باید با هوشیاری فراوانی در منطقه عمل نماید. پیشنهاد پژوهش حاضر آن است که ایران باید به یک همگرایی جدید منطقه‌ای بیاندیشد.

ترکیه و ایران همسایگانی با تاریخ و مرز مشترک همواره دارای روابط دو جانبه‌ای بوده‌اند. روابطی که اخیراً تقویت شده است. چرا که از سال ۲۰۰۴، سیاست خارجی ترکیه به‌گونه‌ای

۱- سخنان سرکیسیان - مصاحبه با مجله اوکراینی - به نقل از رادیو ارمنستان

۲- سخنان سرکیسیان - به نقل از رادیو ارمنستان

۳- سخنان سرکیسیان - در مصاحبه با الجزیره

محسوس تغییر یافته است. این تغییر تا حدی بوده است که این سوال را به ذهن کارشناسان متبادر ساخته است که آیا ترکیه به سوی ایران و سوریه کشیده است؟ (Goksel, 2008: 19). پس ایران می‌تواند با نگاهی مثبت عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه را نگاه کند و سعی نماید آن را در راستای یک نوع همگرایی جدید در منطقه دنبال نماید. چرا که ایران می‌تواند در همگرایی‌های منطقه‌ای و ثبات سیاسی-اقتصادی منطقه نقش بسیار مهمی بازی کند (Amirahmadian, 1998: 94-95). پس می‌تواند سوریه را نیز در این معادلات وارد سازد. چون از سویی سوریه متحد ایران است (Cornell, 1999: 9). از سویی دیگر دارای روابط خوبی با ارمنستان نیز هست (Cornell, 1999: 7). با این همگرایی جدید و فرایند عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه آذربایجان که خود را در وضع بغرنجی می‌بیند چاره‌ای جز نزدیکی بیشتر به ایران و روسیه ندارد. حتی اگر به صورت مقطعی باشد. آذربایجان برای اعلام نارضایتی خود از اقدام ترکیه به ایران نزدیک‌تر خواهد شد و این نزدیکی باز هم بر سرخوردگی گروه‌های پان‌ترکیست در جمهوری آذربایجان و ایران خواهد افزود و آنها را هرچه بیشتر سردرگم خواهد کرد و چه بسا نوعی سردرگمی هویتی هم ایجاد کند. اگر این فرض درست باشد تبلیغات منفی علیه ایران در رسانه‌های رسمی آذربایجان کمتر شده و آذربایجان ایران را متهم به دخالت در امور داخلی این کشور نخواهد کرد. باید یادآور شد که میزان تعاملات ایران و آذربایجان در سال ۱۳۸۸ نشان‌دهنده افزایش همکاری‌های دو کشور در بخش‌های مختلف است. عمده‌ترین همکاری‌های که بین طرفین انجام گرفته است شامل مواردی همچون لغو روادید یک‌جانبه آذربایجان از سوی ایران از تاریخ دوازدهم بهمن ماه ۱۳۸۸ و همچنین انعقاد قرارداد دوجانبه جهت واردات روزانه دو میلیون متر مکعب گاز از آذربایجان می‌باشد (<http://qafqaz.ir/fa/archives>). اگر روند مورد تحلیل تحقق پیدا کند گرجستان هم خود را تنها حس کرده و تلاش خواهد کرد برای ایجاد موازنه به ایران نزدیک‌تر شود یا حداقل حمایت اروپا و آمریکا را جلب کند. روسیه به شدت از داخل و خارج بر ساکاشویلی فشار می‌آورد و ممکن است این فشارها منجر به تعدیل سیاست‌های ضدروسی ساکاشویلی در آینده شود (<http://fa.merc.ir/archive>).

البته با وجود تمام این مسائل و گام‌های مهمی که در راه رسیدن به صلح میان دو کشور ارمنستان و ترکیه برداشته شده است، اما به عقیده کارشناسان هنوز در دو طرف تردیدهایی درباره چشم‌انداز توافقات صورت گرفته به چشم می‌خورد. با وجود استقبال جهانی از روند جدید در روابط دو کشور، آذربایجان که در خصوص مالکیت قره‌باغ با ارمنستان اختلاف دارد تأکید نموده است که عادی‌سازی روابط بین ارمنستان و ترکیه قبل از خروج ارمنستان از قره‌باغ تأثیری منفی بر روابط تاریخی بین آذربایجان و ترکیه خواهد داشت. آذربایجان تهدید نموده است که عادی‌سازی روابط ترکیه با ارمنستان به روابط انرژی دو کشور آسیب وارد می‌سازد. در سایه چنین مسائلی، نخست وزیر ترکیه بازگشایی مرزهای این کشور با ارمنستان را مشروط به پیشرفت در مذاکرات قره‌باغ کرده است، رجب طیب اردوغان طی سخنانی در دیدار با اعضای حزب عدالت و توسعه بیان داشته است که: ما می‌خواهیم تمامی مرزها را همزمان بازگشایی کنیم، اما تازمانی که ارمنستان از منطقه تحت کنترل خود (قره‌باغ) عقب‌نشینی نکند، ترکیه نمی‌تواند اقدامی مثبت در این باره انجام دهد^۱ (<http://english.aljazeera.net/news/europe>). وی با یادآوری رأی سازمان ملل مبنی بر تعلق قره‌باغ به جمهوری آذربایجان بیان داشته که در قره‌باغ هفت منطقه وجود دارد که باید به جمهوری آذربایجان اعاده شود و در صورت عدم حل این مسئله ترکیه هیچ گامی در راه عادی‌سازی روابط با ارمنستان برنخواهد داشت. از سویی دیگر، ملی‌گرایان ارمنی خواستار آن شده‌اند که ترکیه کشتار ۱/۵ میلیون ارمنی در جریان جنگ جهانی اول و در دوران حاکمیت عثمانی‌ها را مورد شناسایی قرار دهد و تا زمان تحقق این مهم مخالف جریان عادی‌سازی می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در رابطه با بخش نخست مقاله حاکی از آن است که اقلیت ارمنه در ایران همواره از حمایت مادی و معنوی حکومت‌های ایرانی برخوردار بوده‌اند، این در حالی است

^۱ - سخنان رجب طیب اردوغان - به نقل از الجزیره (سرویس اروپا)

که ارامنه در بعضی از کشورها همچون ترکیه و آذربایجان مورد بی‌مهری جدی بوده‌اند. ارامنه ایران، همچون دیاسپورای ارمنی در غرب، از زمان استقلال با شیوه‌های گوناگون به دولت ارمنستان یاری رسانده‌اند. در این راستا آزادی عملی که ارامنه در ایران از آن برخوردار بوده‌اند همواره برای دولت ارمنستان مهم بوده است چرا که ارامنه را در جهت کمک به کشور خود یاری نموده است. در مقابل، ارمنستان همواره سعی نموده است تا روابط مسالمت‌آمیزش با ایران پایدار باشد و از طریق آن سعی در کمک به موقعیت اجتماعی و اقتصادی اقلیت ارامنه ایرانی نماید. دستگاه سیاست خارجی ارمنستان همواره به این مسئله آگاه بوده است که داشتن رابطه حسنه با ایران می‌تواند به موقعیت اقلیت ارامنه در ایران کمک نماید. دولت ارمنستان با ایجاد رابطه حسنه و انعقاد قراردادهای دوجانبه سیاسی و فرهنگی با ایران، موقعیت ارامنه را نیز در این مراودات لحاظ نموده است. چرا که دولت ارمنستان به دیاسپورا به‌عنوان یکی از گزینه‌های مهم برای قوی‌تر نمودن رابطه میان دو کشور نگاه می‌کند. از سویی دیگر این اقلیت که دارای پیوندهای خوبی با جامعه ایرانی هستند، همواره گزینه مهمی در گسترش سیاست‌های منطقه‌ای ارمنستان و مطبوعاتی کردن آن داشته‌اند. تجمع‌های ارامنه ایرانی در اعتراض به نسل‌کشی ۱۹۱۵ در یکی از بزرگترین کشورهای مسلمان، فرصت مناسبی را برای تبلیغ ایدئولوژی و سیاست‌های دولت ارمنستان فراهم آورده است. در بحث منازعه جغرافیایی، ایران همواره از خودمختاری قره‌باغ حمایت کرده است و ارمنستان، ایران را همچون کشوری می‌داند که طرفدار خودمختاری قره‌باغ است و همواره از میانجی‌گری ایران ابراز رضایت کرده است. تا حدی که میانجی‌گری ایران می‌تواند به‌عنوان تعمیق بخش روابط به‌حساب آید. چنانچه ارامنه همیشه ایران را به‌عنوان موازنه‌دهنده در منطقه و مانعی در مقابل نفوذ ترک‌ها به‌حساب آورده‌اند (Novikov, 2000: 60-66). در بررسی بخش رجوع به منازعات جغرافیایی برای درک مسائل ژئوپلیتیک منطقه، عملکرد ایران در قبال منازعه قره‌باغ، همسان با رفتار تاریخی ایرانیان در قبال آنان و در حمایت از ارامنه بوده است. در حال حاضر با توجه به نوع نقش آفرینی آذربایجان در منطقه قفقاز و مخالفت ایران با سیاست‌های غرب‌گرایانه این کشور این موضع قابل درک می‌باشد. به دو دلیل آذربایجان نیز نسبت به عملکرد ایران در منازعه

قره‌باغ همواره بدبین بوده است:

- ۱- همکاری و رابطه گسترده این کشور با غرب و نامطلوب بودن آن برای ایران و روسیه؛
- ۲- یکسان بودن منافع آذربایجان و ترکیه در منطقه و نگرانی ایران از نفوذ گسترده ترکیه در منطقه.

در رابطه با بخش سوم، توجه به شرایط ژئوپلیتیک کنونی یافته‌ها مبتنی بر آن است که ارمنستان به خاطر قطع رابطه با همسایگان غربی و شرقی خود و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و مشکل تأمین انرژی، از زمان استقلال خواستار تقویت رابطه با ایران بوده است. در مسئله فقر منابع انرژی ارمنستان، ایران همواره به‌عنوان تأمین‌کننده انرژی به‌حساب آمده است. ایران نیز از آنجا که مخالف نفوذ ترکیه در قفقاز است خواهان رابطه جدی با ارمنستان برای نقش‌آفرینی بیشتر در قفقاز است و می‌توان گفت که روابط میان ارمنستان و ایران کاملاً بر پایه واقعیات ژئوپلیتیکی قرار دارد.

در بخش دگرگونی شرایط به بحث درباره امکان یک همگرایی جدید در سایه فرایند عادی‌سازی ترکیه و ارمنستان پرداخته شد. اما آذربایجان که در خصوص مالکیت قره‌باغ با ارمنستان اختلاف دارد با عادی‌سازی روابط بین ارمنستان و ترکیه قبل از خروج ارمنستان از قره‌باغ مخالفت جدی دارد. آذربایجان تهدید نموده است که عادی‌سازی روابط به روابط انرژی دو کشور آسیب وارد می‌سازد. در سایه چنین مسائلی، نخست وزیر ترکیه بازگشایی مرزهای این کشور با ارمنستان را مشروط به پیشرفت در مذاکرات قره‌باغ کرده است. در پایان می‌توان گفت که با توجه به روابط فعلی دولت ترکیه با ایران، امکان عادی‌سازی میان ارمنستان و ترکیه نه تنها به ضرر ایران نمی‌باشد بلکه در صورتی که تحقق آن در راستای یک همگرایی منطقه‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرد، می‌تواند بسیار مفید و ثمر بخش باشد. چنانچه ایران و ترکیه بتوانند ارمنستان و آذربایجان را به‌سوی سیاست‌های آشتی‌جویانه تشویق نمایند و در فرایند همگرایی منطقه‌ای همراه سازند.

تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری

با عنایت به مدل اندرسون در شناخت سیاست خارجی کشورهای کوچک، بنیان‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ارمنستان و نتایج آن را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

۱- تجربیات تاریخی (نسل‌کشی ارمنه در سال ۱۹۱۵)

تأثیرات عامل تجربه تاریخی بر سیاست خارجی ارمنستان: الف) عدم شکل‌گیری روابط دیپلماتیک با ترکیه از آغاز استقلال؛ ب) افزایش وجه هویتی منازعه قره‌باغ و ایجاد تصور حل‌ناپذیر بودن آن؛ ج) تلاش برای شناسایی بین‌المللی نسل‌کشی و افزایش تنش در روابط با ترکیه؛ د) گرایش یافتن به ایران.

۲- منازعه جغرافیایی (منازعه قره‌باغ)

تأثیرات عامل منازعه جغرافیایی بر سیاست خارجی ارمنستان: الف) عدم شکل‌گیری روابط دیپلماتیک با آذربایجان؛ ب) شکل‌گیری گفتمان‌های متفاوت در مورد میزان اهمیت و نقش دیاسپورا در سیاست خارجی ارمنستان؛ ج) افزایش تنش در روابط با ترکیه؛ د) گرایش یافتن به ایران به علت رضایت از میانجی‌گری آن در منازعه قره‌باغ.

۳- عامل ژئوپلیتیک کنونی (کوچک بودن سرزمین و محصور بودن آن در خشکی)

تأثیرات عامل ژئوپلیتیک کنونی بر سیاست خارجی ارمنستان: الف) ضعف امنیتی و شرکت در پیمان‌های نظامی منطقه‌ای؛ ب) کمبود منابع انرژی و تمایل به روابط گسترده با ایران؛ ج) عدم دسترسی به دریای آزاد و تمایل به روابط گسترده با ایران. در رابطه با سه محور بحث بالا به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که مسائل مربوط به شناسایی مسئله نسل‌کشی ارمنه در سیاست خارجی ارمنستان روابط خارجی این کشور با ترکیه را مناقشه‌آمیز ساخته است و برای جبران نفوذ و هژمونی این دشمن، ارمنستان همواره در جهت گسترش روابط با ایران تلاش نموده است. منازعه قره‌باغ نیز باعث شده است که روابط این کشور با ترکیه و آذربایجان رو به وخامت بگذارد که در پی آن تنگناها و واقعیت‌های ژئوپلیتیک، سیاست خارجی این کشور به سوی ایران و روسیه سوق یافته است. ایران نیز به این گسترش رابطه علاقه نشان داده است.

در رابطه با بحث گرایش ایران به سوی ارمنستان باید خاطر نشان نمود که ایران از سویی به بحران قره‌باغ به‌عنوان یکی از عناصر تهدید امنیت ملی نگاه می‌کند و از سویی دیگر به علت گرایش‌های غرب‌گرایانه آذربایجان مخالف سیاست‌های این کشور در منطقه قفقاز می‌باشد. به علاوه ایران همواره خواهان کاهش نفوذ ترکیه در این منطقه بوده است. به همین دلیل به ارمنستان به‌عنوان مانعی مهم در مقابل نفوذ ترک‌ها نگاه می‌کند و در این راستا خود را به‌عنوان دوست اقتصادی ارمنستان مطرح نموده است.

سه محور بحث بالا و نتایج حاصله از آن را می‌توان در قالب جدول شماره ۱ به بحث گذاشت.



جدول شماره ۱: بنیان‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ارمنستان و توجه به جایگاه ایران و ترکیه
پیش از فرایند عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه

موارد مطرح در مدل اندرسون و سیاست خارجی ارمنستان با توجه به وضعیت ایران و ترکیه	ارمنستان	ایران	ترکیه	نتایج حاصله از مطالعه وضعیت ارمنستان، ایران و ترکیه در قالب مدل اندرسون
<p>ریشه تاریخی (توجه به تغییرات خاص تاریخی)</p> <p>- ارمنه به‌عنوان یک ملت دارای ریشه‌های کهن در تاریخ می‌باشند؛ - آنها از دولت مستقل از سال ۱۳۷۵ م تا ۱۹۱۸ م محروم بوده‌اند؛ - ارمنی‌ها را نه می‌توان ملتی شرقی دانست و نه غربی دانست؛ - نسل‌کشی و نیز تلاش برای شناسایی بین‌المللی آن به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین و شاخص‌ترین هنجار در سیاست خارجی ارمنستان به‌حساب می‌آید.</p>	<p>- از قرن‌ها پیش، زمانی که ارمنه در ایران مشغول به زندگی بودند همواره روابط حسنه‌ای میان ایرانیان و ارمنه وجود داشته است؛ - اقلیت ارمنه همواره از حمایت مادی و معنوی حکومت‌های ایران برخوردار بوده است.</p>	<p>- دولت ارمنستان همواره ترکان را به نسل‌کشی ارمنه در ۱۹۱۵ متهم می‌سازد؛ - ترکیه ادعای نسل‌کشی ارمنه را مبالغه‌آمیز و غیرواقعی می‌داند و حاضر به شناسایی رسمی آن نیست.</p>	<p>- شکل‌گیری روابط پرتنش میان ارمنستان و ترکیه از آغاز استقلال ارمنستان؛ - سوق‌یابی سیاست خارجی ارمنستان به سوی رقبای ترکیه؛ - شکل‌گیری روابط گسترده و حسنه میان ارمنستان و ایران.</p>	
<p>منازعه جغرافیایی</p> <p>- ارمنه و آذری‌ها همواره بر سر ناحیه کوهستانی قره‌باغ با همدیگر منازعه داشته‌اند؛ - ارمنه، مسئله قره‌باغ را در راستای دیگر ظلم‌های تاریخی به‌خود می‌بینند؛ - شباهت زبان آذری‌ها با ترک‌ها موجب گردیده که ارمنه از یک نسل‌کشی دیگر در قره‌باغ هراس داشته باشند.</p>	<p>- با توجه به وجود اقلیت ترک در شمال ایران، ایران همواره نگران رویکردهای الحاق‌گرایانه قومی آذربایجان بوده است؛ - میانجی‌گری ایران در منازعه قره‌باغ و رضایت ارمنستان از آن؛ - میانجی‌گری ایران در منازعه قره‌باغ به رفع انزوای سیاسی آن کمک کرد.</p>	<p>- در منازعه قره‌باغ، ترکیه در حمایت از آذربایجان عمل نموده است؛ - آذری‌ها همواره از ترکیه خواسته‌اند که مرز مشترک خود را با ارمنستان بسته نگه دارد؛ - حمایت ترکیه از آذربایجان به عدم شکل‌گیری روابط دیپلماتیک میان این کشور و ارمنستان انجامیده است.</p>	<p>- بسته شدن مرزهای شرقی و غربی ارمنستان با همسایگانش؛ - منازعه قره‌باغ از همان سال ۱۹۸۸ تبدیل به یک مسئله جدی در سیاست داخلی و خارجی ایران شد؛ - ایجاد تنش میان ارمنستان، آذربایجان و ترکیه. - گرایش یافتن ارمنستان به سوی ایران.</p>	
<p>نقش کشور بزرگ ژئوپلیتیک کبوتری و قرجه به</p> <p>- کوچکی سرزمین؛ - محصور بودن در خشکی؛ - بسته بودن مرزها با همسایگان شرقی و غربی؛ - فقر منابع طبیعی.</p>	<p>- ایران از همان ابتدای استقلال ارمنستان یعنی در سال ۱۹۹۲ دومین شریک تجاری بزرگ این کشور بود؛ - نقش‌آفرینی ایران به‌عنوان تأمین‌کننده انرژی ارمنستان.</p>	<p>- بسته بودن مرزهای مشترک با ارمنستان؛ - جلوگیری از دسترسی ارمنستان به آب‌های آزاد.</p>	<p>- ضعف امنیتی و احساس انزوای ارمنستان؛ - ارمنستان به خاطر قطع رابطه با همسایگان غربی و شرقی خود و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و مشکل تأمین انرژی، از زمان استقلال خواستار تقویت رابطه با ایران بوده است.</p>	

در دوره پیش از فرایند عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه یک نوع مبنای ژئوپلیتیکی در روابط ارمنستان و ایران مشاهده می‌گردد که موضع متمایل ایران در حمایت از ارمنستان را شکل داده است. ارمنستان نیز همواره ایران را به‌عنوان موازنه‌دهنده در منطقه و مانعی در مقابل نفوذ ترک‌ها به حساب آورده است.

در دوره بعد از عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه شرایط ژئوپلیتیکی منطقه تا حد زیادی دگرگون می‌گردد. عادی‌سازی روابط با توجه به ضرورت‌های همگرایی منطقه‌ای می‌تواند برای ایران بسیار مثبت تلقی شود. در گذشته که روابط ایران و ترکیه از نظر سیاسی و تبلیغاتی چندان مثبت نبود همکاری‌های سه‌جانبه ایران، ارمنستان و یونان می‌توانست از فشارهای وارده بر ایران از سوی ترکیه بکاهد. اما ترکیه در سالهای اخیر روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را در سطح قابل توجهی با ایران گسترش داده است. لذا ضروری می‌نماید که سیاست‌های آشتی به سمت همگرایی چندجانبه در منطقه پیش رود و آن متضمن دیپلماسی فعال ایران می‌باشد. به‌گونه‌ای که سعی نماید ضمن حمایت از روند آشتی، آذربایجان را نیز در این فرایند همراه سازد.

قدرانی

بخش زیادی از منابع پژوهش حاضر از کتابخانه ملی تهیه شده است، لذا بدین وسیله نگارندگان از تمامی کارکنان آن کتابخانه قدرانی می‌نمایند.

References

1. Afzali, Rasol and Hosseini, Majid. (1999). Survey and analyzing the geopolitical developments in Turkey and its influence on geopolitics of Iran, [Persian], Tehran: geopolitics Quarterly, fourth year, No. 1.
2. Aghanian, D. (2007). the Armenian Diaspora: Cohesion and Fracture", University Press of America, Plymouth.
3. Alessandri, Emiliano. (2010). the New Turkish Foreign Policy and the Future of Turkey-EU Relations", Istituto Affari Internazionali.
4. Aljazeera.net.news. (2007). Armenia open to talks with Turkey,
5. <http://english.aljazeera.net/news/europe/2007/07/200852512591754455.html>
6. Aljazyre.net.news. (Europa service). Turkey sets conditions for Armenia, Erdogan insists on Armenian pullout from Nagorno-Karabakh one day after historic deal,
7. <http://english.aljazeera.net/news/europe/2009/10/20091011125318932900.html>.
8. Amirahmadian, Bahram. (1999). Investigating the causes and consequences of U.S. presence in the Caucasus, [Persian], Tehran: geopolitics quarterly, the fifth year, No. 4.
9. ----- (1998). Iran and the Caucasus, Iran's geopolitical position in the Post-Cold War Era, [Persian], Tehran: journal of political information - economic, No. 135.
10. ----- (1996). Security threats in the Caucasus, [Persian], Tehran: Journal of Caucasus and Central Asian Studies, Ministry of Foreign Affairs, fifth year, the second period, No.13.
11. Anderson, Tomas D. (1994). Geopolitics of the Caribbean: Misstates in a Wider World Praeger", New York.
12. Arlen, Michael. (1982). Journey to Ararat, [Persian], translated by parvaneh Sattari, Tehran: abi publication.
13. Barzegar, Kayhan. (2008). Iran's Foreign Policy in Post-Invasion Iraq", Middle East Policy Council", Journal Compilation.
14. Bayat, Masoud. (2008). the geopolitical role of Caucasus In determining the Iran identical borders with Anyran in the North West, [Persian] Tehran: Journal of Caucasus and Central Asian Studies, fifth year, No. 1.
15. Berberian, H. (2001). Armenians and the Iranian Constitutional Revolution of 1905-1911", Colorado, West view Press, Boulder.
16. Braden, Kathleen and Shelley, Fred. (2000). Engaging Geopolitics", England: Pearson Education Limited.
17. Brzezinski, Zbigniew. (1993). Out of control, [Persian], translated by Abdulrahim navehebrahim, Tehran: information publication.
18. Cornell, Svante and Starr, Frederick. (2006). the Caucasus: A Challenge for Europe", Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program.
19. Cornell, Svante. (1999). Geopolitics and Strategic Alignment in the Caucasus and Central Asia", Journal of International Affairs, Volume IV.

20. Daluy, Imon and Tliathail, Gear. (1996).theCritical Geopolitics Constellation:Problematizing Fusions of Geographical Knowledge andPower", Political Geography. Vol 15, No. 6/7.
21. Dehghani Firouz Abadi, Sayyed Jalal. (2010). Iran's security policy in the South Caucasus [Persian], Tehran: geopolitics quarterly, sixth year, No1.
22. -----.(2008). Emancipating Foreign Policy: Critical Theory and Islamic Republic of Iran's Foreign Policy", The Iranian Journal of International Affairs Vol. XX, No.3.
23. Dodds, Klaus. Atkinson, David. (2000). Geopolitical Traditions", London and New York: Rutledge.
24. Electricity, gas exchange between Iran and Armenia. (2000). [Persian]
25. <http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/?cid=14602>.
26. Friedman, George. (2008). The Methodology of Geopolitics: Love of One's Own and the Importance of Place", Strategic Forecasting, Inc.
27. Ghahramanpour, Rahman.(2011).consequences of improved relations between Turkey and Armenia on the Iran'sstrategic interests,[Persian]
28. <http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/56.aspx>.
29. Giragosian, Richard. (2003). Geopolitics and the Formation of Foreign Policy in South Caucasus: an Examination of Armenia, Azerbaijan and Georgia", Political Analyst and AIPRG Fellow.
30. Goksel, Nigar. (2008). Turkey'sPolicy towards the Caucasus", Caucasus Institute.
31. Goldgieger, M and McFaul, Michael. (1922). A Tale of Two Worlds: Core and Periphery in the Post-Cold War Era", International Organization, Vol. 46, No2.
32. Gorgulu, aybars. (2008). Turkey - Armenia Relations: a Vicious", Turkish Economic and Social Studies Foundation.
33. Holder, Seven. (1992). The Ideal State and the Power of Geography: the life-Work of Rudolf Kjellen", Political Geography, Volume 11, Issue 3, May 1992.
34. Hovannisian, Richard. (1993). The Armenian Genocide: Cultural and Ethical legacies", New Brunswick, New Jersey.
35. Ignatius, David. (2010). Armenia and Turkey, Overcome by History", April 23, 2010,<http://voices.washingtonpost.com/postpartisan>.
36. Jalili, Mohammadreza. (2002). Iran and the Caucasus: Maintaining Some Pragmatism", the Quarterly Journal, No.3, September.
37. Kenneth Yalowitz and Svante E. (2004).the Critical but Perilous Caucasus", Cornell Foreign Policy Research Institute.
38. Klare, Michael. (2003). the new geopolitics", monthly review Volume 55, Number 3, <http://www.monthlyreview.org/0703klare.htm>.
39. Khachaturian, Haroutiun (2002 a). Armenia deepens this with embattled", Eurasia insight.
40. ----- . (2002 b). Iran Armenia Ties look promising, thoughObstacles Remain", Eurasia Insight.
41. Khojoyan, Sara. (2010). Pipe Dreams Realized: Presidents inaugurate Iran-Armenia Gas line", Armenia Now Reporter Wednesday, June 02, 2010.
42. Koolae, Elahe. (2010). Islamic Republic of Iran and the geopolitics of South Caucasus, [Persian], Tehran: geopolitics quarterly, sixth year, No. 1.
43. Maleki, Abbas & afrasiabi, kave. (2003). Iran's Foreign Policy After 11 September", The Brown Journal of World Affairs,Winter/Spring 2003 – Volume IX, Issue 2.

44. Minassian, Gaïdz. (2008). Armenia, a Russian Outpost in the Caucasus?", Russia/NIS Center.
45. Mirhaydar, Dareh. (1990). analyzing the international behavior based on a geopolitical model, [Persian], Magazine of political - economic information. No. 41.
46. Mirozoyan, Alla. (2007). Armenia's Foreign Policy 1991-2004: between History and Geopolitics", Florida International University.
47. Moghtader, Hoshang. (1993). Public International Law, [Persian] Tehran: Foreign Ministry Publication.
48. Mojtahedzadeh, Pirouz. (2000). Geopolitical Ideas and Iranian Realities, [Persian] Tehran: Ney Publication.
49. Mousavi, Seyyed rasol. (2003). security mechanisms in the Caucasus, [Persian], Central Asia and Caucasus Journal, No. 42.
50. Novikova, Gayane. (2000). Armenia and the Middle East", Middle East Review of International Affairs, Vol.4No 4.
51. Onis, Ziya. (2011). Multiple Faces of the, New Turkish Foreign Policy: Underlying Dynamics and a Critique,, Insight Turkey Vol. 13 / No. 1 / 201.
52. Pahlavan, changiz. (1992). Nationality, religion and the future of Iran civilization, [Persian] Tehran: Magazine of Iran News - No. 3
53. Public Radio of Armenia. (2008). Robert Kocharyan: Armenia Must Either Recognize the Independence of NKR or Sign an Agreement on Mutual Assistance, 01.04.2008,
54. <http://www.armradio.am/news/?id=12328&part=pol>.
55. ----- (2010). Serzh Sargsyan: Any Bad Peace is Better than War 17.09.2010, <http://www.armradio.am/news/?part=pol&id=18236>.
56. Ramazani, Ruhollah. (2001). an analytical framework to study the foreign policy of Iran, [Persian], translated by Alireza Tayeb, Tehran: Ney Publication.
57. ----- (2004). Ideology and Pragmatism in Iran's Foreign Policy", the Middle East Journal 58, No. 4.
58. Ramezanzadeh, Abdullah. (1996). Iran's Role as Mediator in the Nagorno-Karabakh Crisis", in Contested Borders in the Caucasus, Edited by Bruno Coppieters, Brussels: Vub Brussels University Press.
59. Rasmussen, Katrine Barnekow. (2009). the Foreign Policy of Iran Ideology and Pragmatism in the Islamic Republic", Danish Institute for International Studies, Brief English Version of Danish DIIS Report.
60. Rosenkvist, Morten Anstorp. (2005). Black Soil Oil and Ethnicity in the Nagorno-Karabakh Conflict", Centro Argentina de Studios Internationals Working Paper.
61. Sadeghzade, Kaweh. (2008). Iran's Strategy in the South Caucasus", Caucasian Review of International Affairs, Vol. 2 (1).
62. Samdaly, Farzad. (2000). Establishment of us military bases in Azerbaijan and Security of the Islamic Republic of Iran, [Persian], Tehran: Journal of Strategic Studies, third year. No. 3.
63. Sanasarian, Eliz. (2000). Religious Minorities in Iran", Cambridge, Cambridge University Press.
64. Serzh Sargsyan says genocide recognition most efficient way for revolution of such crimes. (2009).
65. <http://www.panorama.am/en/politics/2009/04/24/cexaspanutyun/>.

66. Shaffer, Brenda. (2003).Iran's Role in the South Caucasus and Caspian Region ran: Diverging Views of the U.S. and Europe", SWP Berlin.
67. Tamara, Patariaia and Darchiashvili, David. (2003).Security Regime Building in the South Caucasus", in Herd Graeme P. and Moroney Jennifer (Eds.). Security Dynamics in the Former Soviet Bloc, London: Rutledge Curzon.
68. Testimony of Francis J. Ricciardone Ambassador-Designate to the Republic of Turkey July 20, 2010 Senate Foreign Relations Committee,
69. <http://foreign.senate.gov/imo/media/doc/Ricciardone,%20Jr.,%20Hon.%20Francis%20Josep%20h1.pdf>.
70. Touryan, Miller Lorna. (1993). Survivors: an Oral History of the Armenian Genocide", University of California Press.
71. Tuathail, Gearoid. (1994 a). (DIS) Placing Geopolitics: Writing on the Maps of Global Politics, Environment and Planning", Society and Space 1994, vol 12.
72. ----- . (1994 b).Problematizing Geopolitics: Survey Statesmanship and Strategy Transactions of the Institute of British Geographers, News Series, and vol.19.No 3.
73. Walter A. McDougall. (2003). Why Geography Matters . . . But is So Little Learned, Orbis, Vol. 47, No. 2 (Spring 2003).
74. Vaezi, Mahmoud. (2008). Karabakh's Crisis: Iran's Mediation and the Aftermath", Foreign Policy Department/ Asia Studies Group Political.
75. Zalewski, Piotr. (2010). Turkey's Genocide Diplomacy: What's in a Word?" Center for European Policy Studies.